

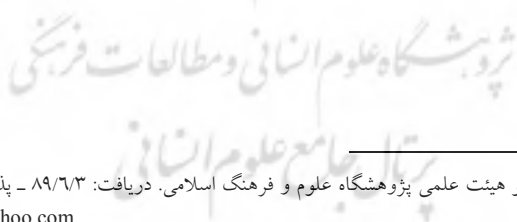
شیوه سازواره انتقادی در تصحیح نسخه‌های خطی

محمد سوری*

چکیده

در تصحیح نسخه‌های خطی عموماً، اختلاف نسخ را به صورت پاورقی در زیر صفحه نشان می‌دهند. بر این روش اشکالاتی وارد کرده‌اند از جمله این‌که متن را شلوغ و فضای زیادی اشغال می‌کند و در نهایت، نسخه‌ها را به صورت کامل گزارش نمی‌کند. در کنار این روش، شیوه دیگری وجود دارد که به آن، «سازواره انتقادی» یا «شیوه ریتز» می‌گویند. در این روش، برخلاف «شیوه پاورقی»، در داخل متن هیچ علامتی قرار نمی‌گیرد و اختلاف نسخه‌ها به طور کامل گزارش می‌شود و نسخه بدل‌ها فضای کمی را اشغال می‌کند و میان نسخه بدل‌ها و توضیحات مصحح کاملاً تفکیک می‌شود. این شیوه، نخست در خصوص کتاب مقدس به کار رفت و بعدها هلموت ریتز، آن را درباره کتاب‌های اسلامی به کار برد. در این مقاله با شیوه سازواره انتقادی و روش خواندن و تدوین آن آشنا می‌شویم.

کلید واژه‌ها: سازواره انتقادی، شیوه ریتز، اختلاف نسخه‌ها، تصحیح، نسخه‌های خطی.



پیش‌گفتار

در تصحیح متون قدیم به طور کلی دو روش متمایز وجود دارد: یکی این که مصحح یکی از نسخه‌های موجود را اساس قرار داده، اشکالات آن را به کمک نسخه‌های معتبر دیگر برطرف کند و در ضمن، اختلافات نسخ دیگر را در حاشیه ضبط نماید. این روش، زمانی مفید خواهد بود که مصحح نسخه مؤلف یا نسخه‌ای که به نظر مؤلف رسیده یا لااقل نسخه معتبری که نزدیک به زمان مؤلف استنساخ شده در اختیار داشته باشد. در غیر این صورت، مصحح بهتر است از روش دوم استفاده کند و آن برگزیدن عباراتی است که به نظر او می‌تواند از خود مؤلف باشد. البته، این عبارات باید از حیث صورت محکم و آراسته و از حیث معنا دقیق و صحیح باشد. این روش را اصطلاحاً روش التقاطی خوانده‌اند.^۱ از آن جا که به دلایل گوناگون از جمله اشتباهات کاتبان و بدخوانی‌های آن‌ها و افتادگی‌های مکرر در نسخه‌ها و...، در نسخه‌های خطی به ندرت می‌توان نسخه‌ای را یافت که شرایط نسخه مبنا و اصل قرار گرفتن را داشته باشد، عموماً در تصحیح نسخه‌های خطی از «روش التقاطی» استفاده می‌کنند. اختلافات نسخه‌ها را در حاشیه و پاورقی می‌آورند. معمولاً اختلاف نسخه‌ها و نسخه بدل‌ها را با دادن شماره‌ای در متن به پاورقی منتقل می‌کنند. این روشی است که تاکنون در اغلب متون تصحیح شده به کار رفته است. ولی در کنار این روش که از این به بعد آن را «شیوه پاورقی» می‌نامیم، روش دیگری وجود دارد که به آن «سازواره انتقادی»^۲ می‌گویند در این نوشتار شیوه کاربرد این روش و نیز تفاوت و مزیت‌های آن را بر «شیوه پاورقی» بازگو می‌کنیم.

نخستین بار، آنگاه که پژوهندگان کتاب مقدس در تصحیح این متن، با اختلاف شدید نسخه‌ها مواجه شدند، مردد بودند که در هر مورد، کدام ضبط را در متن مصحح خود بیاورند. در نهایت، آنها به این نتیجه رسیدند که با توجه به اینکه در بسیاری موارد ترجیح یک ضبط بر دیگری دشوار است، چرا که یا هر دو معنادار است، یا این که برحسب اعتقادات فرقه‌ای، هر فرقه یکی از این ضبط‌ها را معتبر و دیگری را مردود می‌داند، آن‌ها به این فکر افتادند که شیوه‌ای را برگزینند که در آن همه اختلاف نسخه‌ها ضبط شود، به نحوی که گویا خواننده همه نسخه‌ها را در اختیار خود دارد. البته مصحح کوشش خواهد کرد که بهترین ضبط را در متن بیاورد، ولی راه برای همه اهل فن باز است که ضبط مورد

تأیید خود را معتبر بداند. نخستین نسخه متن یونانی عهد جدید همراه با «سازواره انتقادی»، در سال ۱۵۵۰ میلادی به دست رابرت استین پاریسی انجام پذیرفت. این شیوه بعدها درباره متون مهم کلاسیک، از جمله نمایش‌نامه‌های شکسپیر، به کار رفت و در زبان لاتین (Apparatus Criticus) و در انگلیسی (Critical Apparatus) یا همان «سازواره انتقادی» نام گرفت.

مزایای روش ریتر

در جهان اسلام، نخستین بار هلموت ریتر^۳ (متوفای ۱۹۷۱)، خاورشناس آلمانی، شیوه «سازواره انتقادی» را با ایجاد تغییراتی اندک نسبت به آنچه در کتاب مقدس به کار می‌رفت، در مورد کتاب «سوانح» خواجه احمد غزالی (متوفای ۵۲۰) به کار برد. به همین دلیل، گاه به این روش، «شیوه ریتر» نیز می‌گویند.^۴ شیوه ریتر، در مقایسه با روش‌های سنتی دیگر، مزایای چندی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. مهم‌ترین ویژگی «سازواره انتقادی» این است که همه نسخه‌های موجود از یک متن را در برابر دیدگان خواننده قرار می‌دهد. به تعبیر هلموت ریتر، «خواننده این امکان را پیدا می‌کند که با استفاده از روایات مختلف همه نسخه‌ها خودش در داوری و ارزشیابی شرکت کند.»^۵ بدون اینکه در کلاف سردرگم پاورقی‌ها گم شود. گزارش کامل نسخه‌ها در شیوه پاورقی بسیار دشوار است.

۲. در «سازواره انتقادی» هیچ علامتی در داخل متن مصحح قرار نمی‌گیرد. خواننده عادی و متخصص هر دو می‌توانند به سهولت از خواندن متن لذت ببرند. خواننده عادی بدون اینکه با دیدن علامت‌های مکرر پاورقی ذهنش پریشان و آشفته شود، به مطالعه خود ادامه می‌دهد و هیچ کاری به سازواره‌ای که در بخش پایین صفحه یا در انتهای فصل قرار دارد، ندارد. احتمالاً بسیاری از خوانندگان این نوشتار، تاکنون به مجموعه مصنفات شیخ اشراق به کوشش هانری کربن مراجعه داشته‌اند، بدون اینکه به آنچه در پایین صفحات آمده و در نظر بدوی عجیب و غریب به نظر می‌رسد، نگاهی کنند از متن بهره برده‌اند. از این رو، خواننده متخصص، هم از خواندن متن لذت می‌برد و هم با لحاظ نسخه بدل‌هایی که در «سازواره انتقادی» آمده، این امکان را پیدا می‌کند که با استفاده از روایات مختلف همه نسخه‌ها، خودش در داوری و ارزشیابی شرکت کند.

۳. مزیت سوم، کاستن از حجم کتاب است. در «سازواره انتقادی» بیشترین حجم اطلاعات در کمترین فضای ممکن به خواننده ارائه می‌گردد. در حالی که، در شیوه پاورقی، همین مقدار اطلاعات گاه چندین برابر فضا را اشغال می‌کند. نگارنده از باب تجربه یک صفحه از سوانح ریتز را مجدداً به «شیوه پاورقی» تنظیم کرد. همانطور که می‌بینید، فضای به کار رفته در شیوه پاورقی بسیار بیشتر از شیوه سازواره انتقادی است. علاوه بر این، در این تنظیم دوباره، برای یک متن ۲۷ پاورقی به کار رفته است.

۴. در ادامه همین نکته باید گفت که در شیوه پاورقی، میان علامت‌های پاورقی‌های توضیحی و علامت‌های پاورقی‌های مربوط به نسخه بدل، هیچ‌گونه تمایزی وجود ندارد. خواننده عادی که نمی‌خواهد سراغ نسخه بدل‌ها برود، بلکه تنها به دنبال توضیحات مصحح است (توضیحاتی از قبیل استخراج منابع آیات و اقوال و معانی واژگان)، باید با دیدن هر باره علامت پاورقی، نگاهش را به پایین صفحه ببرد و دست خالی بازگردد؛ زیرا در بیشتر موارد با نسخه بدل‌ها مواجه می‌شود. این امر خواننده را خسته می‌کند. ولی در «سازواره انتقادی» بخش پاورقی‌های توضیحی، کاملاً از سازواره جداست و این مشکل خود به خود حل شده است. سازواره انتقادی، فقط برای ضبط نسخه بدل‌ها و گاه توضیحات مربوط به آن است مطالب توضیحی مصحح به هیچ وجه نباید در سازواره راه یابد؛ زیرا برخلاف هدف ما از تدوین سازواره است. توضیحات مصحح می‌تواند به صورت پاورقی (مانند کار هلموت ریتز در *سوانح*) یا به صورت یادداشت در پایان متن (مانند کار دکتر نصرالله پورجوادی در *لغت موران*) بیاید. به همین خاطر، توضیحات هانری کربن، در میان سازواره انتقادی حکمه الإشراق کار درستی نیست. می‌توان گفت که هانری کربن در محضر ریتز خوب شاگردی نکرده است.

راهکار تدوین سازواره انتقادی

پس از تهیه نسخه‌های خطی متن، اگر یکی از نسخه‌ها دارای ویژگی‌های پیشگفته بود، آن را به عنوان نسخه اصل قرار داده، اشکالات آن را به کمک نسخه‌های معتبر دیگر برطرف و اختلافات نسخ دیگر را در «سازواره انتقادی» ضبط می‌کنیم. در این صورت، لازم است شماره برگ‌های نسخه اصل را در داخل متن مصحح آورده شود. معمولاً شماره برگ‌های نسخه اصل را، خواه در داخل متن یا در حاشیه، در داخل دو چنگگ ([]) یا در داخل دو

ممیز (/ /) قرار می‌دهند، ولی همان‌طور که گفته شد، در تصحیح نسخه‌های خطی کمتر چنین موردی پیش می‌آید و در بیشتر موارد باید از «روش التقاطی» استفاده کرد.

به هر حال، بهتر است هر یک از نسخه‌ها را با یکی از حروف بزرگ لاتین مشخص کنیم. معمولاً ابتدا یا انتهای نام کتابخانه‌ای که نسخه در آن قرار دارد و یا ابتدا یا انتهای نام شهری که آن کتابخانه در آن قرار دارد، برای نسخه به کار می‌رود. ولی البته هیچ الزامی در این مسئله وجود ندارد. با توجه به کثرت نسخه‌ها در برخی متون می‌توان به‌دلخواه هر حرفی را برای هر نسخه‌ای برگزید. برای نمونه، هلموت ریتز در تصحیح سوانح نسخه‌های خود را چنین نامیده است: A = نسخه کتابخانه ایاصوفیا، K = نسخه کتابخانه کوپرولو، F = نسخه کتابخانه عاطف، N = نسخه کتابخانه نورعثمانیه، O = نسخه اول کتابخانه انجمن آسیایی بنگال، P = نسخه دوم کتابخانه انجمن آسیایی بنگال.

شاید به نظر برسد که چرا از حروف الفبای فارسی و عربی برای نشانه اختصاری نسخه‌ها استفاده نمی‌کنیم. باید گفت: استفاده از حروف لاتین برای پرهیز از اشتباه در خواندن سازواره انتقادی است؛ زیرا گاه نسخه بدل‌ها فقط در یک یا دو حرف با هم اختلاف دارند و ممکن است خواننده، عنوان نسخه خطی را با نسخه بدل اشتباه بگیرد.

در برخی نسخه‌های خطی مشاهده می‌شود که کاتب یا مالک نسخه، متن اثر را با نسخه‌ای یا نسخه‌هایی دیگر مقابله کرده و اختلافات آنها را در حاشیه یادداشت کرده است. در واقع، نسخه حاضر دو یا چند نسخه است، نه یک نسخه. در این‌گونه موارد، برای نشان دادن اینکه ضبط ما مربوط به کدامیک از این نسخه‌هاست، می‌توان عنوان نسخه را با یک عدد کوچک مشخص کرد. مثلاً، اگر نسخه N دارای این حالت باشد، می‌توان هرگاه در حواشی نسخه اختلافی ثبت نشده بود، فقط از نشانه N و در موارد دیگر از N^2 یا N^3 و ... استفاده کرد.

حال بر اساس نسخه‌های خطی موجود، به تصحیح متن مورد نظر می‌پردازیم. آنگاه سطرهای متن مصحح را شماره‌گذاری می‌کنیم (معمولاً سه سطر در میان: ۳، ۶، ۹، ... یا پنج سطر در میان: ۵، ۱۰، ۱۵، ...).؛ زیرا شماره سطر در خواندن سازواره انتقادی نقش اساسی دارد. در شماره‌گذاری سطرها، به دو صورت می‌توان عمل کرد: هر صفحه را مستقلاً شماره‌گذاری و در صفحه بعد شماره‌گذاری را دوباره آغاز کرد، یا اینکه هر فصل

از متن را از آغاز تا پایان شماره پیوسته داد. به نظر می‌رسد، شیوه دوم از کارایی بیشتری برخوردار است؛ زیرا گاه در داخل سطرها یا بندهای یک فصل افتادگی و جابه‌جایی وجود دارد. اگر سطرها را به صورت صفحه‌ای شماره‌گذاری کنیم، در بیان این افتادگی‌ها یا جابه‌جایی‌ها با دشواری مواجه می‌شویم.

علائم به کار رفته در سازواره انتقادی

در سازواره انتقادی، مجموعه‌ای از علائم به کار می‌رود که ذیلاً آنها را به اختصار معرفی می‌کنیم. البته، این علائم در ابتدا شاید مبهم به نظر برسد، ولی در ادامه به کمک نمونه‌هایی که ارائه خواهیم کرد، برای همه خوانندگان آسان خواهد شد.

۱. **شماره سطر:** پیش از ارائه نسخه بدل‌ها، شماره سطر قرار می‌گیرد و برای وضوح بیشتر به صورت سیاه نمایش داده می‌شود.

۲. **نشانه دو نقطه (:):** این نشانه در پایان ضبط مختار قرار می‌گیرد و نشان می‌دهد که از اینجا به بعد نسخه بدل‌ها قرار دارد.

۳. **نشانه افزودن (+):** مفهوم این نشانه آن است که کلمه یا عبارت پس از این نشانه، در برخی یا همه نسخه‌ها آمده، ولی از نظر مصحح زائد است و نباید در متن قرار بگیرد.

۴. **نشانه کاستن (~):** مفهوم این نشانه آن است که کلمه یا عبارت پس از این نشانه، در برخی یا همه نسخه‌ها نیامده، ولی از نظر مصحح جزو متن است و باید در متن قرار بگیرد.

۵. **نشانه سه نقطه (. . .):** هرگاه عبارت مورد نظر ما طولانی باشد، یک یا دو کلمه ابتدا و انتهای عبارت را ذکر می‌کنیم و نشانه سه نقطه را میان آنها قرار می‌دهیم، به نشانه اینکه بقیه عبارت در این جا ذکر نشده است. لازم است یادآوری کنیم که میان هر یک از این سه نقطه باید یک کاراکتر فضای خالی وجود داشته باشد (« . . . » نه «...»).

۶. **نشانه دو کمانک (()):** هرگاه عبارت نسخه بدل در دو نسخه یا بیشتر یکسان بود و فقط در یک یا دو کلمه اختلاف داشت، این اختلاف را در داخل دو کمانک نشان می‌دهیم. توضیح این مورد خواهد آمد.

۷. **نشانه دو خط موازی کج (//) یا ایستاده (||):** این دو خط موازی به معنای انتهای نسخه بدل و آغاز نسخه بدل بعدی است.

۸. نشانه یک خط کج (/) یا ایستاده (|): اگر در داخل یک نسخه بدل طولانی، نسخه‌ها با یکدیگر اختلاف داشتند، از این نشانه استفاده می‌کنیم و در پایان، اختلافات نشانه دو خط موازی می‌گذاریم.

نمونه‌هایی از سازواره انتقادی

از این جا به بعد، ما نمونه‌های مختلفی از سازواره انتقادی را ارائه می‌کنیم، به نحوی که همه حالت‌های متصور در سازواره انتقادی در این نمونه‌ها وجود داشته باشد. خواننده با دقت در همین موارد اندک به آسانی می‌تواند هم سازواره انتقادی را بخواند و هم خود در تصحیح نسخه‌های خطی، سازواره انتقادی تنظیم کند. همه نمونه‌های زیر از کتابی است به نام روضه المریدین نوشته ابن یزدانیا ساعدی همدانی (متوفای ۴۷۲)، که در اینجا از سه نسخه خطی آن به نام‌های اختصاری M = نسخه کتابخانه ملک در تهران، N = نسخه کتابخانه پرینستون در نیوجرسی، S = نسخه کتابخانه سلیمانیه در استانبول بهره برده‌ایم. روشن است که ما در این نوشتار، درصدد بررسی صحت محتوایی مطالب نقل شده نیستیم. صرفاً به منظور الگویی برای تصحیح نسخه‌های خطی به آنها توجه می‌کنیم. از نظر محتوایی و سندی، برخی از موارد ذکر شده واضح البطلان هستند. جعل و ساختگی بودن آنها بر محققان فن آشکار است، ولی نادرستی محتوا ربطی به شیوه و شگرد تصحیح ندارد. هیچ مصححی حق ندارد محتوای مورد نظر نویسنده را تغییر دهد.

نمونه یکم

أما بعد، فقد سألتني بعض إخواني أن أجمع له فصولاً في معنى آداب الصوفية وأحكامهم وطريقتهم وأحوالهم وأخلاقهم، فأجبتة إلى ملتصقة واختصرت له طرفاً مما سمعنا عن المشايخ رحمهم الله.

۱. إخواني SM: الإخوان N || أن M: بأن SN || له S: لهم M~N || ۲. طرفاً NM: طرفاً S || عن SM: من N.

اکنون می‌خواهیم سازواره را بخوانیم.

«۱». شماره سطر است که با حروف سیاه چاپ شده تا روشن تر باشد. از ابتدای سطر یکم تا واژه «إخوانی» اختلافی میان این سه نسخه وجود ندارد. «إخوانی SM:» بدین معناست که در دو نسخه S و M واژه «إخوانی» آمده و به نظر ما ضبط صحیح همین است.

پس از ضبط صحیح و نشانی نسخه‌ها، همیشه نشانه دو نقطه «:» قرار می‌گیرد و بدین معناست که از اینجا به بعد محل قرار گرفتن نسخه بدل‌هاست. «الإخوان N» بدین معناست که در نسخه N به جای «إخوانی»، واژه «الإخوان» وجود دارد که به نظر مصحح ضبط مرجوح است. حالا می‌رسیم به علامت دو خط موازی ایستاده (||)، که در سازواره انتقادی نقش مهمی به عهده دارد. این دو خط موازی، به معنای انتهای نسخه بدل و آغاز نسخه بدل بعدی است. درباره اینکه چرا از دو خط استفاده می‌کنیم، و نه یک خط، در ادامه توضیح خواهیم داد. نکته دیگر اینکه ایستاده بودن این دو خط موازی، امری ضروری نیست و می‌توان از دو خط موازی کج (//) نیز استفاده کرد. نسخه بدل بعدی «آن M: بأن SN» مانند قبل خوانده می‌شود، یعنی در نسخه M - که ضبط راجح ماست - «آن» ثبت شده و در دو نسخه S و N «بأن». مورد بعد «له S: لهم M~N» است، بدین معنا که ضبط مختار مصحح «له» فقط در نسخه S وجود دارد. در نسخه N به جای «له»، «لهم» است که از نظر مصحح ضبط مرجوح است، و در نسخه M اصلاً این واژه وجود ندارد. از این جا روشن می‌شود که هرگاه بخواهیم نشان دهیم که کلمه یا عبارتی در یک نسخه وجود ندارد، از علامت «~» استفاده می‌کنیم. برعکس، هر گاه بخواهیم نشان دهیم که در یکی از نسخه‌ها کلمه یا عبارتی اضافه وجود دارد، از علامت «+» استفاده می‌کنیم. نکته دیگر که از این نسخه بدل می‌فهمیم، این است که پس از علامت دو نقطه (:): همه نسخه بدل‌ها بدون هیچ علامت خاص از قبیل درنگ‌نما (،) یا نقطه (.) یا چیز دیگر پشت سر هم قرار می‌گیرد تا جایی که نسخه بدل‌ها تمام شود و برسد به دو خط موازی کج یا ایستاده (// یا ||).

تا اینجا نسخه بدل‌های سطر یک تمام شد. اما در نسخه بدل‌های سطر دو، همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، در سطر دو هیچ نکته تازه‌ای وجود ندارد و خواننده این نوشتار خود می‌تواند بر اساس آنچه درباره سطر یک گفتیم نسخه بدل‌های سطر دو را بخواند. از این جا به بعد در نمونه‌های بعدی فقط موارد تازه را با هم می‌خوانیم و موارد دیگر را به خود خواننده وامی‌گذاریم.

نمونه دوم

باب نعت الصوفیة

(۱) روی أبو هريرة رضی الله عنه أن النبی صلی الله علیه وسلم قال: من أراد أن یجلس مع الله، فلیجلس مع أهل التصوف.

(۲) وقال يوسف بن الحسين الرازي: لكل أمة صفة هم ودائع الله عز وجل الذي أخفاهم في خلقه، فإن يكن منهم في هذه الأمة فهم الصوفية.

۱. باب نعت الصوفية (الصوفى S) SM: الباب الثالث فى نعت الصوفية N || ۲-۱۹. روى أبو هريرة . . . إلى آخر السورة: M~ || ۲. رضى الله عنه S: N~ || ۴. هم N: S~ || ۵. الصوفية SN²: الوصية N¹.

گذشت که نشانه دو کمانک، در مواردی به کار می‌رود که عبارتِ نسخه بدل در دو نسخه یا بیشتر یکسان باشد و فقط در یک یا دو کلمه با هم اختلاف داشته باشند. در مورد حاضر، «(الصوفى S)» در سطر یکم، بدین معناست که دو نسخه S و M در ضبط راجح «باب نعت الصوفية» با هم مشترک هستند، جز در کلمه «الصوفية» که در نسخه S به جای «الصوفية»، «الصوفى» آمده است.

نشانه «. . .» در نسخه بدل «۲-۱۹». روى أبو هريرة . . . إلى آخر السورة: M~ || بدین معناست که از عبارت «روى أبو هريرة» در سطر ۲ تا عبارت «إلى آخر السورة» در سطر ۱۹ در همه نسخه‌ها وجود دارد به جز نسخه M. به همین دلیل از اینجا به بعد تا سطر ۱۹ نسخه بدل‌ها خبری از نسخه M نیست.

نشانه توان در نسخه بدل «۵. الصوفية SN²: الوصية N¹» اشاره به نکته‌ای است که قبلاً گفتیم، یعنی نسخه N با نسخه‌ای دیگر مقابله شده و اختلافات آن در حاشیه ضبط شده است و توان ۱ و ۲ اشاره به این دو نسخه دارد.

نمونه سوم

(۱۱) وقال: كان أبو زرعة الرازي الإمام الكبير، وقد حضر في دعوة وقوال يقول شيئاً، فقام وما زال يتواجد إلى أن ذهب من الليل شطره.

۲-۱. وقال . . . شطره NS: M~ | ۱. وقد حضر N: S~ | شيئاً S: N~ |.

در این جا ما با یک نسخه بدل طولانی مواجه هستیم. بر پایه آنچه گفته شد، روشن است که نسخه بدل «۱-۲». وقال . . . شطره NS: M~ به این معناست که دو سطر ۱ و ۲ در نسخه M وجود ندارد، ولی دو نسخه N و S هم که این دو سطر را دارند، در دو قسمت از این دو سطر با هم اختلاف دارند. این اختلاف را که در درون نسخه بدل پیشین وجود دارد، با نشانه «|» نشان می‌دهیم، بدین معنا که پرونده نسخه بدل قبلی هنوز بسته نشده

است. بنابراین، «۱. وقد حضر N: S~|شيئاً S: N~» به این معناست که آنچه پس از نشانه «|» قرار گرفته، مربوط به نسخه بدل قبلی است، یعنی نسخه S فاقد «وقد حضر» و نسخه N فاقد «شيئاً» است.

نمونه چهارم

(۳) وحكى عن أيوب السخيتاني، قال: أتيت المسجد الحرام فرأيت عطاء بن أبي رباح وعليه عباءة قطوانية، أو قال: عباءتان قطوانيتان. فجلست إليه وقلت له: يا أبا محمد! فقال لي: ليك! فقلت له: ماترى في لبس الصوف فإن نفسي نازعتني في لبسه؟

۱. وحكى SM: حكي N || السخيتاني SMN¹: السجستاني N² || ۲. عباءة قطوانية أو (S~) قال SN: M~ || إليه SN: M~ || له N: M~ || ۳. فقلت له N: قلت له S قلت M || ۳. الصوف: + قال N فإن SN: إن M || في N: إلى SM ||.

در این نمونه، تقریباً همه نشانه‌های سازواره‌ی انتقادی به کار رفته است. «(S~)» در سطر ۲ نشان می‌دهد که دو نسخه S و N در عبارت «عباءة قطوانية أو قال» مشترکند، جز این‌که نسخه S واژه «أو» را ندارد. هم‌چنین در سطر سوم «الصوف: + قال N» به این معناست که پس از واژه «الصوف» در نسخه N واژه «قال» آمده که به نظر مصحح زائد است.

به نظر می‌رسد، با توجه به آنچه گفته شد، خواننده علاقمند می‌تواند با اندکی ممارست شیوه سازواره انتقادی را در تصحیح نسخه‌های خطی به کار ببندد. توصیه ما این است که در این راه نباید از مراجعه مکرر به آثاری که به این شیوه تصحیح شده‌اند، به‌ویژه سوانح ریتزر غفلت شود. این آثار برحسب تاریخ تصحیح عبارت است از:

سوانح، خواجه احمد غزالی (متوفای ۵۲۰)، به کوشش هلموت ریتزر، چاپ اول: تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۳۸ش [افست از چاپ استانبول: مطبعة معارف، ۱۹۴۲].

- «كتاب حکمة الإِشراق»، شیخ اشراق شهاب‌الدین یحیی سهروردی (متوفای ۵۸۸)، در مجموعه فی الحکمة الإلهية من مصنفات شهاب‌الدین یحیی السهروردی، به کوشش هانری کربن، استانبول، سلسله النشرات الإسلامية، ۱۹۴۵، ص ۱-۲۶۰.^۶
«رسالة فی اعتقاد الحکماء»، شیخ اشراق شهاب‌الدین یحیی سهروردی (متوفای ۵۸۸)، در مجموعه فی الحکمة الإلهية من مصنفات شهاب‌الدین یحیی السهروردی، به کوشش هانری کربن، استانبول، سلسله النشرات الإسلامية، ۱۹۴۵، ص ۲۶۱-۲۷۲.

«قصة الغربية الغربية با ترجمه و شرح فارسی»، شیخ اشراق شهاب‌الدین یحیی سهروردی (متوفای ۵۸۸)، در مجموعه فی الحکمة الإلهية من مصنفات شهاب‌الدین یحیی السهروردی، به کوشش هانری کربن، استانبول، سلسله النشرات الإسلامية، ۱۹۴۵، ص ۲۷۳-۲۹۷.

سوانح، خواجه احمد غزالی (متوفای ۵۲۰)، به کوشش نصرالله پورجوادی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹ش.

لغت موران، شیخ اشراق شهاب‌الدین یحیی سهروردی (متوفای ۵۸۸)، به کوشش نصرالله پورجوادی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۶.



پی‌نوشت‌ها

۱. احمد غزالی، *سوانح*، به کوشش نصرالله پورجوادی، ص هجده و نوزده.
2. Apparatus Criticus
3. Helmut Ritter
۴. احمد غزالی، *سوانح*، به کوشش هلموت ریتر، مقدمه نصرالله پورجوادی، ص شش.
۵. برگرفته از: احمد غزالی، *سوانح*، به کوشش هلموت ریتر، مقدمه مصحح، ص شانزده.
۶. این مجموعه بعدها با عنوان جلد دوم *مجموعه مصنفات شیخ اشراق* در سال‌های ۱۳۵۵ش و ۱۳۷۳ش در تهران افست شده است.

